عطف

منطق سرمایه

شرق: «تشکیل سرمایه» مقالاتی تحلیلی درباره جلد یک جلد «کاپیتال» مارکس است و ترتیب مقـالات به نحوی است که با ساختار جلد یکم همخوانی دارد، اما در ضمـن می‌تـوان هریـک از آنها را جداگانه خواند. چنان‌کـه در معرفی کتاب آمده است، خواننده سده بیسـت‌ویکم با این پرسش دشوار روبه‌رو اسـت که اثر سترگ «کاپیتـال» مارکس را چگونـه باید در پرتو تاریخ ذاتی پیچیده‌اش و در پرتو کوشش‌های بسـیار و اغلب ناهمسـاز برای بازخوانی و شرح‌بسط مقولات کاپیتال، خاصه مقولات جلد یکم آن، دریافت؟ جستارهایی که نوعی بازخوانی جلد یکم است و در کتاب «تشکیل سرمایه» گرد آمده‌اند، گام‌هایی در بازازیابی ایـن پرسـش‌اند و به ایـن منظـور و برای ارتباط‌یافتن با مسـائل کانونی در سرحدات پژوهش مارکسی، تاذرتین شناخت و تحلیل متنی را پیش می‌کشند. اگرچه این جستارها از این نظر که از توالی عرضه‌داشت مارکس پیروی می‌کنند مکمل یکدیگرند، در مجموع تلاشی صورت نگرفته تا به جلد یکم کاپیتال به‌طور جامع پرداخته شـود. «دوواقع، سه فیلسوف و پنج اقتصاددان (که هیچ‌یک این «تقسـیم کار» آکادمیـک را در چارچـوب شناخت مدرنمنم نمی‌دانند، خاصه زمانی که مطالعه‌ی عالیـم اجتماعی تمام‌عیاری چون مارکـس مدنظر باشـد) به همامین بخصوصـی پرداختـه‌انـد کـه آن را برای بازسنجی سده بیسـتویکمی -واپا توسعه اکتشافی- اثر مارکس ضروری می‌دانند». در همین حال، ایـن کتاب تنها بـه موضوعات خاصی از جلد یکم پرداخته و البته به‌عنوان مدرک، نیروی مولد و درجه ثبات کار و نیز مفاهیم و فرمول‌بندی‌های مارکس در مبانه جلد یکم دیگر آمده‌اند. از لوتیا سـرمایه و ارتش اضافی- در بخشی از کتاب نیز مقالاتی درباره پول و تمامیت، مارکس و نیابادی و پول‌محوراند و کالا،مقیـاس اقتصاد خرد، قیاسی و تاریخ در سـرمایه‌داری، دکرقوئی اجتماعی و مادی تولید توسـط سـرمایه و سرکولار انباشت سرمایه آمده است.

تشکیل سرمایه
مقالاتی درباره جلد اول «کاپیتال»
نیکولا تیلور، ریکاردو بوفوروه
انتشارات اختران

چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی دولت چهاردهم

مرتضی دامن‌پاک جامی
دیپلمات، پژوهشگر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

مقدمه: دیپلماسی اقتصادی، به مفهوم اولویت‌یافتن اهداف و موضوعات اقتصادی در سیاست خارجی، به بهره‌گیری مناسب از ابزارهای نوین و متکثر دیپلماسـی در عرصه بین‌المللی برای تأمین منافع ملی کشورها و افزایش سهم و مشـارکت آنها در اقتصاد جهانی می‌پردازد. در دو، سه دهه گذشته، استفاده از ابزارهای دیپلماسی برای تأمین منافع اقتصادی کشورها در سطوح دوجانبه و چندجانبه به یک اولویت مهم در سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است و آن دسته از کشورهایی که رویکردی توسعه‌گرا در سیاست خارجی خود در پیش گرفته‌اند، دارای دیپلماسی اقتصادی فعال و پویایی هستند و توانسته‌اند نه‌تنها از تأمین اهداف اقتصادی و منافع ملی خود در عرصه بین‌المللی از تمام ابزارها و ظرفیت‌ها، ازجمله هم‌پیوندی و هم‌افزایی بین عنصر اقتصاد و سیاسـت به خوبی استفاده کنند. دولت‌های مختلف در ایران نیز در سـه دهه گذشته، با درک اهمیت دیپلماسی اقتصادی در روابط خارجی کشور، رویکردهای مختلف و گاه متضادی را برای تحقق اهداف اقتصادی خود در عرصه سیاسـت خارجی دنبال کرده‌اند. با انتخاب مسعود پزشکیان به‌عنوان رئیس دولت چهاردهم، موضوع دیپلماسی اقتصادی و نقش سیاست خارجی در افزایش ثروت ملی و توسعه اقتصادی کشور دوباره مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

یادداشـت حاضر تلاش می‌کند ضمن بررسـی اولویت‌ها و خطوط اصلی رویکرد دیپلماسی اقتصادی مدنظر دولت چهاردهم، زمینه‌ها و امکانات تحقق آنها در محیط داخلی و بین‌المللی را با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی آن بررسی کند.

تحولات دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسـلامی ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسـعه و اثرگذار در صحنه منطقه‌ای و جهانی در دهه‌های گذشـته به این باور رسـیده اسـت که نمی‌تواند و نباید از کنار اهمیت مسـائل اقتصادی در روابط خارجی بی‌تفاوت عبور کند. در این راسـتا، سناد بالادستی کشـور، به‌ویژه سند چشم‌انداز ۲۰ سـاله و سیاست‌های کلی نظام در حوزه سیاست خارجی، اصل کلی ناظر بر سیاست خارجی کشور را «تعامل مؤثر و سازنده با جهان» قرار داده‌اند. سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز که در سال ۱۳۹۲ به اجرا درآمد، ضمن تأکید بر درون‌زایی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی، اصل برون‌گرایی یا توسعه برون‌گرا را مکمل آن قرار داده اسـت که بر مدل توسعه برون‌گرای معطوف به داخل تکیه می‌کند. همچنین در برنامه‌های پنجم تا هفتم توسعه ذیل سرفصلی با عنوان «دیپلماسی اقتصادی»، اصل تعامل فعال با کشورها و نهادهای مؤثر در اقتصاد جهانی در راسـتای نهادینه‌کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش های بازارهای صادراتی مورد توجه قرار گرفته و به تبع آن، صورت توجه به دیپلماسی اقتصادی و درپیش‌گرفتن جنبه‌هایی از توسعه‌محوری در سیاست خارجی ایران، در این برنامه‌ها گنجانده شده است.

از سـوی دیگر، سـیر تحول فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی ایران در سـال‌های پس از جنگ تحمیلی نشان می‌دهد که در دوران مسئولیت دولت‌های مختلف، نیاز به توسعه روابط اقتصادی خارجی کمابیش احسـاس شد و این موضوع در دستور کار دسـتگاه دیپلماسی نیز انعکاس درخورتوجهی یافت. با این حال دیپلماسـی اقتصادی ایران هیچ‌گاه در سـاختار تصمیم‌گیری و اجرا در کشـور نهادینه نشد و دولت‌های مختلف، با برداشت‌های سلیقه‌ای و رویکردهای خاص خود به یکپری آن پرداختند. در همین حال، شرایط و نیازهای اقتصادی کشـور در سـایه تلاش تحریم‌ها باعث شد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت دولت‌های نهم تا یازدهم بیش از گذشته به مسائل اقتصادی و به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی توجه کند. درحالی‌که دولت‌های دهم و نهم و دهه اول دوازدهم تلاش می‌کردند ایران استفاده خودکفا در... رئیس‌جمهور پزشکیان همچنین معتقد است که «نادکلیفی در سـیاست خارجی به معنای بلاتکلیفی مردم، نسـل جوان، اقتصاد و بازار کشـور، مـی‌خواهیم سیاست خارجی به مردم نفت و امنیت روانی بیشـتر به تابوانند برای زندگی خود در بلندمدت بدون تردید و اضطراب برنامه‌ریزی کننـد». اتفاق بزنیکان همچنین تاکید می‌کند «برای رفع مشـکلات مردم و تأمین زمینه‌های توسـعه، به انسجام ملی و گفتمانی خارجی نیاز داریم؛ اتفاق توسعه و پیشرفت اقتصادی بدون سیاست خارجی توسعه‌گرا و تنش‌زدا ممکن نیسـت. قرار بود تحولات را جدو نزنیم اما الان کشورها و مسـیرهای تنش‌زدایی منطقه را در خود زداند. حذف ایران از بازارهای انرژی و مسـیرهای ترانزیتی را متوقف و مزیت نسبی ایران در این حوزه‌های حیاتی را بازسازی خواهیم کرد (مرکز سیاسی شبکه سـه- سه‌شنبه، ۲۹ خرداد ۱۴۰۳). موضوع اتفاق بزنیکان درباره ضرورت رفع تحریم‌ها، اجتناب از سیاسـت‌های غیرسـنجی و زیان‌بار و طراحی سیاسـت خارجی به شـکلی بانبات و بی‌نیاز بی‌بدیر، حاکی از این اسـت که اورابطه میان سیاسـت خارجی، کیفیت زندگی مردم و معضلات اقتصادی کشور را به‌خوبی درک کرده و به دنبال آن است تا از ابزار دیپلماسی برای رفع چالش‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در داخل استفاده کند.

از سـوی دیگر، سـیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه دولت چهاردهم نیز در برنامه پیشنهادی خود اهمیت دیپلماسـی اقتصادی و نقش سیاسـت خارجی در کمک به تحقق اهداف توسـعه ملی و بهبود اوضاع اقتصادی کشـور را مورد توجه و تأکید قرار داده اسـت. در این زمینه، او یکی از سـه ماموریت اصلی سیاست خارجی دولت چهاردهم را «تأمین منافع ملی و حفظ و افزایش ثروت ملی» دانسته و تأکید کرده اسـت «تأمین منافع ملی و زمینه‌سازی برای ارتقای ثروت ملی، یکی از ماموریت‌های اصلی سیاست خارجی دولت چهاردهم است که بدون آن انجام دیگر ماموریت‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. تأکیدات رهبر انقلاب، دیپلماسی اقتصادی را به صورتی ساختاری و اجتناب‌ناپذیر در اسناد خرد و کلان، و دورنمای کشور تبدیل کرده است. این مهم، نیاز به تراجیوب تعامل و اتصال پیوسته، هوشمندانه و منفعت‌محور با بازارهای جهانی قابل فهم است. دستیابی به این جیشه‌انداز، اتخاذ رویکردی نوین در عرصه دیپلماسی اقتصادی را می‌طلبد؛ رویکردی که اقتصاد و سیاست خارجی را در یک امتداد به سمت دستیابی به اهداف تبیین‌شده در اسـناد بالادسـتی قرار دهد». وزیر امور خارجه برای تحقق ماموریت مهـم دولت چهاردهم در زمینه دیپلماسی اقتصادی، برنامه‌های متنوعی را ارائه داده است که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

-گوشـش برای قرارداد‌ن سیاسـت خارجی در مدار پیشـرفت اقتصادی کشـور و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های آن برای ماندن‌ماندن. تسهیلگری و امیدبخشی به فعالان اقتصادی؛

-اولویت‌بخشی به دیپلماسی اقتصادی دورون‌زا و برون‌گرا و متکی به دانش و فناوری که سه مؤلفه مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری هستند؛

- بیشـرد همه‌جانبه سیاسـت حسن همسـایگی و توجه به ظرفیت‌های عظیم سیاسـی و اقتصادی در حوزه همسایگان؛ حوزه فرهنگی و تمدنی ایرانی، و جنوب جهانی؛

-استفاده حداکثری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و چندجانبه (شانگهای، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و دیگر سازمان‌های مشابه)؛

-گسـترش مدنال دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های افریقا، آمریکای لاتین و شرق آسیا؛ با هم‌افزایی بیشتر مختلف حاکمیتی، دولتی و خصوصی؛

-تداوم روابط مستحکم با جنوب و رویسه و گسـترش همکاری با اقتصادهای نوظهور نظیر هند، اندونزی، آفریقای جنوبی، برزیل و...؛

-تعامل عزتمندانه، کارکردگرا و فرصت‌محور با اروپا؛ از موضع برابر و بر مبنای احترام متقابل؛ -مدیریت تخاصم با ایالات متحده و مقابله با سیاست‌های خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی؛

-اسـتفاده از همه ظرفیت‌های سیاسـت خارجی برای خنثی‌سازی و بی‌اثرسـازی تحریم‌ها و کاهش هزینه‌های آنها، هماره با کوشش برای رفع شرط‌مندانه تحریم‌ها، بهویژه تحریم‌های یک‌جانبه، از طریق مذاکرات جدی، هدفمند و قیام‌ربایی؛ با حفظ منافع ملی و حقوق مردم ایران؛

-زمینه‌سازی برای فعالیت بیشتر بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های آن؛ مانع‌زدایی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش صادرات کالا و خدمات، ورود سرمایه، مهاجرت و گردشگر؛

-جلب همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کمک به توسعه درامحور در حوزه سیاست مرکزان؛

-کوشش برای جلوگیری از تشدید تنش‌های جغرافیایی کنونی، ویژه در حوزه خاورمیانه منطقه‌ای و ترانزیت بین‌المللی، و یه‌گارکیری مؤثر دیپلماسی انرژی؛

همچنین، با توجه به برنامه وزیر امور خارجه، دولت چهاردهم برای تحقق این برنامه‌ها، اولویت‌های سیاست خارجی خود را در زمینه دیپلماسی اقتصادی بر محورهای زیر مشترکو خواهد کرد:

- عبوردادن کشور از زنجیره فشارهای تحریمی و تلاش برای رفع تحریم‌ها با ابزارهای شاخص‌دانه

- حمایت از ساختارها و مسـیرهای موجود جنگ‌های تحریمی‌ها و کوشش برای کنشون نوارها و سازوکارهای جدید به منظور کاهش هزینه‌های تحریم

- دیپلماسی اقتصادی فعال و ارتگدار در منطقه و بیشتر به سـمت پرفاصله اقتصادی- تجارت کالا و خدمات و حمل‌ونقل منطقه‌ای و بین‌المللی کشور

- بیشـرد سیاسـت همسـایگی بلاوسطه و پیرامونی و کوشـش برای به حداقل رساندن اختلاف‌ها و بیوندهی زیساختی با همسایگان در حوزه‌های مختلف

- حفظ و افزایش ارتباط با ایرانیان خارج به منظور رفع دغدغه‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن

- بهبود تصور ایران در عرصه جهانی و بین‌المللی و منطقه با بیژوه ایران‌هراسی و ایمنی‌سازی ایران

- کمک به توسعه سواحل مکران از طریق دیپلماسی فعال، بهویژه در سطح منطقه

- هماهنگ‌سازی بخش‌های اقتصادی دولت با سیاست خارجی جهت هماهرایی متقابل اقتصاد و دیپلماسی و بهره‌گیری از ظرفیت سند هماهنگی اقتصادی و جلسات سران فوقه به منظور ایجاد هماهنگی بین همه کشکران اقتصادی در کشور

- اصلاحات ساختاری در وزارت امور خارجه به اقتصادی شارع متحول منطقه‌ای و بین‌المللی؛ به‌ویژه بازنگری در شرح وظایف سـفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسـلامی در خارج از کشور و تعریف ماموریت‌ها و کارویژه‌های عملیاتی و فرصت‌محور در زمینه دیپلماسی اقتصادی.

اولویت‌های یادشـده نشـان می‌دهد که وزارت خارجه دولت چهاردهم دستور کاری روشن ولی سـنگین و متنوع در زمینه دیپلماسی اقتصادی دارد و مترصد آن اسـت تا ضمن کسب تجارب گذشته و استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های موجود با بالقوه و روبقا وجاتیه، منطقه‌ای و بین‌المللی و ایجاد اصلاحات لازم در ساختار و کارکردی سیاسـت خارجی، این اولویت‌ها را با جدیت پیگیری و محقق کند. صورت‌های تحقق برنامه‌هـا و اهـداف مذکور ایجاب می‌کند که علاوه بر پیش‌فرض رفع تحریم‌ها، دولت چهاردهم در حوزه وزارت خارجه نیاز به تراکب بیشتر از گذشته فعال باشد. البته دولت نیز نیازمند چالش‌های فراوانی در این مسیر مواجه اسـت. دیپلماسی به‌طور عام و دیپلماسی اقتصادی به‌طور خاص، در خلا شکل نمی‌گیرد و بدون ابزارهای لازم، برخورداری از پشتوانه وفاق و هماهنگی بین بخشی و ایجاد بستر بازیکری مناسب در عرصه بین‌المللی نمی‌تواند کار چندانی برای منافع اقتصادی کشور انجام دهد. بر همین اساس برنامه وزیر امور خارجه، اگر مهمترین ابزارهای مورد نیاز دیپلماسی در سطح بین‌المللی را برخورداری از پشتوانه وفاق و هماهنگی بین بخشی و ایجاد بستر بازیکری مناسب در عرصه بین‌المللی نمی‌تواند کار چندانی برای منافع اقتصادی کشور انجام دهد. بر همین اساس، برای رفع مشـکلات مردم و تأمین زمینه‌های توسـعه، به انسجام ملی و گفتمانی خارجی نیاز داریم؛ اتفاق توسعه و پیشرفت اقتصادی بدون سیاست خارجی توسعه‌گرا و تنش‌زدا ممکن نیسـت. قرار بود تحولات را جدو نزنیم اما الان کشورها و مسـیرهای تنش‌زدایی منطقه را در خود زداند. حذف ایران از بازارهای انرژی و مسـیرهای ترانزیتی را متوقف و مزیت نسبی ایران در این حوزه‌های حیاتی را بازسازی خواهیم کرد (مرکز سیاسی شبکه سـه- سه‌شنبه، ۲۹ خرداد ۱۴۰۳). موضوع اتفاق بزنیکان درباره ضرورت رفع تحریم‌ها، اجتناب از سیاسـت‌های غیرسـنجی و زیان‌بار و طراحی سیاسـت خارجی به شـکلی بانبات و بی‌نیاز بی‌بدیر، حاکی از این اسـت که اورابطه میان سیاسـت خارجی، کیفیت زندگی مردم و معضلات اقتصادی کشور را به‌خوبی درک کرده و به دنبال آن است تا از ابزار دیپلماسی برای رفع چالش‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در داخل استفاده کند.

از سـوی دیگر، سـیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه دولت چهاردهم نیز در برنامه پیشنهادی خود اهمیت دیپلماسـی اقتصادی و نقش سیاسـت خارجی در کمک به تحقق اهداف توسـعه ملی و بهبود اوضاع اقتصادی کشـور را مورد توجه و تأکید قرار داده اسـت. در این زمینه، او یکی از سـه ماموریت اصلی سیاست خارجی دولت چهاردهم را «تأمین منافع ملی و حفظ و افزایش ثروت ملی» دانسته و تأکید کرده اسـت «تأمین منافع ملی و زمینه‌سازی برای ارتقای ثروت ملی، یکی از ماموریت‌های اصلی سیاست خارجی دولت چهاردهم است که بدون آن انجام دیگر ماموریت‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. تأکیدات رهبر انقلاب، دیپلماسی اقتصادی را به صورتی ساختاری و اجتناب‌ناپذیر در اسناد خرد و کلان، و دورنمای کشور تبدیل کرده است. این مهم، تنها در تراجیوب تعامل و اتصال پیوسته، هوشمندانه و منفعت‌محور با بازارهای جهانی قابل فهم است. دستیابی به این جیشه‌انداز، اتخاذ رویکردی نوین در عرصه دیپلماسی اقتصادی را می‌طلبد؛ رویکردی که اقتصاد و سیاست خارجی را در یک امتداد به سمت دستیابی به اهداف تبیین‌شده در اسـناد بالادسـتی قرار دهد». وزیر امور خارجه، برای تحقق ماموریت مهـم دولت چهاردهم در زمینه دیپلماسی اقتصادی، برنامه‌های متنوعی را ارائه داده است که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

-گوشـش برای قرارداد‌ن سیاسـت خارجی در مدار پیشـرفت اقتصادی کشـور و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های آن برای ماندن‌ماندن. تسهیلگری و امیدبخشی به فعالان اقتصادی؛

-اولویت‌بخشی به دیپلماسی اقتصادی دورون‌زا و برون‌گرا و متکی به دانش و فناوری که سه مؤلفه مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری هستند؛

- بیشـرد همه‌جانبه سیاسـت حسن همسـایگی و توجه به ظرفیت‌های عظیم سیاسـی و اقتصادی در حوزه همسایگان؛ حوزه فرهنگی و تمدنی ایرانی، و جنوب جهانی؛

-استفاده حداکثری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و چندجانبه (شانگهای، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و دیگر سازمان‌های مشابه)؛

-گسـترش مدنال دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های افریقا، آمریکای لاتین و شرق آسیا؛ با هم‌افزایی بیشتر مختلف حاکمیتی، دولتی و خصوصی؛

-تداوم روابط مستحکم با جنوب و رویسه و گسـترش همکاری با اقتصادهای نوظهور نظیر هند، اندونزی، آفریقای جنوبی، برزیل و...؛

-تعامل عزتمندانه، کارکردگرا و فرصت‌محور با اروپا؛ از موضع برابر و بر مبنای احترام متقابل؛ -مدیریت تخاصم با ایالات متحده و مقابله با سیاست‌های خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی؛

-اسـتفاده از همه ظرفیت‌های سیاسـت خارجی برای خنثی‌سازی و بی‌اثرسـازی تحریم‌ها و کاهش هزینه‌های آنها، هماره با کوشش برای رفع شرط‌مندانه تحریم‌ها، بهویژه تحریم‌های یک‌جانبه، از طریق مذاکرات جدی، هدفمند و قیام‌ربایی؛ با حفظ منافع ملی و حقوق مردم ایران؛

-زمینه‌سازی برای فعالیت بیشتر بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های آن؛ مانع‌زدایی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش صادرات کالا و خدمات، ورود سرمایه، مهاجرت و گردشگر؛

-جلب همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کمک به توسعه درامحور در حوزه سیاست مرکزان؛

-کوشش برای جلوگیری از تشدید تنش‌های جغرافیایی کنونی، ویژه در حوزه خاورمیانه منطقه‌ای و ترانزیت بین‌المللی، و یه‌گارکیری مؤثر دیپلماسی انرژی؛

همچنین، با توجه به برنامه وزیر امور خارجه، دولت چهاردهم برای تحقق این برنامه‌ها، اولویت‌های سیاست خارجی خود را در زمینه دیپلماسی اقتصادی بر محورهای شرح‌مرکز خواهد کرد:

- عبوردادن کشور از زنجیره فشارهای تحریمی و تلاش برای رفع تحریم‌ها با ابزارهای شاخص‌دانه

- حمایت از ساختارها و مسـیرهای موجود جنگ‌های تحریمی‌ها و کوشش برای کنشون نوارها و سازوکارهای جدید به منظور کاهش هزینه‌های تحریم

- دیپلماسی اقتصادی فعال و ارتگدار در منطقه و بیشتر به سـمت پرفاصله اقتصادی- تجارت کالا و خدمات و حمل‌ونقل منطقه‌ای و بین‌المللی کشور

- بیشـرد سیاسـت همسـایگی بلاوسطه و پیرامونی و کوشـش برای به حداقل رساندن اختلاف‌ها و بیوندهی زیساختی با همسایگان در حوزه‌های مختلف

- حفظ و افزایش ارتباط با ایرانیان خارج به منظور رفع دغدغه‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن

- بهبود تصور ایران در عرصه جهانی و بین‌المللی و منطقه با بیژوه ایران‌هراسی و ایمنی‌سازی ایران

- کمک به توسعه سواحل مکران از طریق دیپلماسی فعال، بهویژه در سطح منطقه

- هماهنگ‌سازی بخش‌های اقتصادی دولت با سیاست خارجی جهت هماهرایی متقابل اقتصاد و دیپلماسی و بهره‌گیری از ظرفیت سند هماهنگی اقتصادی و جلسات سران فوقه به منظور ایجاد هماهنگی بین همه کشکران اقتصادی در کشور

- اصلاحات ساختاری در وزارت امور خارجه به اقتصادی شارع متحول منطقه‌ای و بین‌المللی؛ به‌ویژه بازنگری در شرح وظایف سـفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسـلامی در خارج از کشور و تعریف ماموریت‌ها و کارویژه‌های عملیاتی و فرصت‌محور در زمینه دیپلماسی اقتصادی.

اولویت‌های یادشـده نشـان می‌دهد که وزارت خارجه دولت چهاردهم دستور کاری روشن ولی سـنگین و متنوع در زمینه دیپلماسی اقتصادی دارد و مترصد آن اسـت تا ضمن کسب تجارب گذشته و استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های موجود با بالقوه و روبقا وجاتیه، منطقه‌ای و بین‌المللی و ایجاد اصلاحات لازم در ساختار و کارکردی سیاسـت خارجی، این اولویت‌ها را با جدیت پیگیری و محقق کند. صورت‌های تحقق برنامه‌هـا و اهـداف مذکور ایجاب می‌کند که علاوه بر پیش‌فرض رفع تحریم‌ها، دولت چهاردهم در حوزه وزارت خارجه نیاز به تراکب بیشتر از گذشته فعال باشد. البته دولت نیز نیازمند چالش‌های فراوانی در این مسیر مواجه اسـت. دیپلماسی به‌طور عام و دیپلماسی اقتصادی به‌طور خاص، در خلا شکل نمی‌گیرد و بدون ابزارهای لازم، برخورداری از پشتوانه وفاق و هماهنگی بین بخشی و ایجاد بستر بازیکری مناسب در عرصه بین‌المللی نمی‌تواند کار چندانی برای منافع اقتصادی کشور انجام دهد. بر همین اساس، برای رفع مشـکلات مردم و تأمین زمینه‌های توسـعه، به انسجام ملی و گفتمانی خارجی نیاز داریم؛ اتفاق توسعه و پیشرفت اقتصادی بدون سیاست خارجی توسعه‌گرا و تنش‌زدا ممکن نیسـت. قرار بود تحولات را جدو نزنیم اما الان کشورها و مسـیرهای تنش‌زدایی منطقه را در خود زداند. حذف ایران از بازارهای انرژی و مسـیرهای ترانزیتی را متوقف و مزیت نسبی ایران در این حوزه‌های حیاتی را بازسازی خواهیم کرد (مرکز سیاسی شبکه سـه- سه‌شنبه، ۲۹ خرداد ۱۴۰۳). موضوع اتفاق بزنیکان درباره ضرورت رفع تحریم‌ها، اجتناب از سیاسـت‌های غیرسـنجی و زیان‌بار و طراحی سیاسـت خارجی به شـکلی بانبات و بی‌نیاز بی‌بدیر، حاکی از این اسـت که اورابطه میان سیاسـت خارجی، کیفیت زندگی مردم و معضلات اقتصادی کشور را به‌خوبی درک کرده و به دنبال آن است تا از ابزار دیپلماسی برای رفع چالش‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در داخل استفاده کند.

از سـوی دیگر، سـیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه دولت چهاردهم نیز در برنامه پیشنهادی خود اهمیت دیپلماسـی اقتصادی و نقش سیاسـت خارجی در کمک به تحقق اهداف توسـعه ملی و بهبود اوضاع اقتصادی کشـور را مورد توجه و تأکید قرار داده اسـت. در این زمینه، او یکی از سـه ماموریت اصلی سیاست خارجی دولت چهاردهم را «تأمین منافع ملی و حفظ و افزایش ثروت ملی» دانسته و تأکید کرده اسـت «تأمین منافع ملی و زمینه‌سازی برای ارتقای ثروت ملی، یکی از ماموریت‌های اصلی سیاست خارجی دولت چهاردهم است که بدون آن انجام دیگر ماموریت‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. تأکیدات رهبر انقلاب، دیپلماسی اقتصادی را به صورتی ساختاری و اجتناب‌ناپذیر در اسناد خرد و کلان، و دورنمای کشور تبدیل کرده است. این مهم، تنها در تراجیوب تعامل و اتصال پیوسته، هوشمندانه و منفعت‌محور با بازارهای جهانی قابل فهم است. دستیابی به این جیشه‌انداز، اتخاذ رویکردی نوین در عرصه دیپلماسی اقتصادی را می‌طلبد؛ رویکردی که اقتصاد و سیاست خارجی را در یک امتداد به سمت دستیابی به اهداف تبیین‌شده در اسـناد بالادسـتی قرار دهد». وزیر امور خارجه، برای تحقق ماموریت مهـم دولت چهاردهم در زمینه دیپلماسی اقتصادی، برنامه‌های متنوعی را ارائه داده است که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

-گوشـش برای قرارداد‌ن سیاسـت خارجی در مدار پیشـرفت اقتصادی کشـور و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های آن برای ماندن‌ماندن. تسهیلگری و امیدبخشی به فعالان اقتصادی؛

-اولویت‌بخشی به دیپلماسی اقتصادی دورون‌زا و برون‌گرا و متکی به دانش و فناوری که سه مؤلفه مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری هستند؛

- بیشـرد همه‌جانبه سیاسـت حسن همسـایگی و توجه به ظرفیت‌های عظیم سیاسـی و اقتصادی در حوزه همسایگان؛ حوزه فرهنگی و تمدنی ایرانی، و جنوب جهانی؛

-استفاده حداکثری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و چندجانبه (شانگهای، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و دیگر سازمان‌های مشابه)؛

-گسـترش مدنال دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های افریقا، آمریکای لاتین و شرق آسیا؛ با هم‌افزایی بیشتر مختلف حاکمیتی، دولتی و خصوصی؛

-تداوم روابط مستحکم با جنوب و رویسه و گسـترش همکاری با اقتصادهای نوظهور نظیر هند، اندونزی، آفریقای جنوبی، برزیل و...؛

-تعامل عزتمندانه، کارکردگرا و فرصت‌محور با اروپا؛ از موضع برابر و بر مبنای احترام متقابل؛ -مدیریت تخاصم با ایالات متحده و مقابله با سیاست‌های خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی؛

-اسـتفاده از همه ظرفیت‌های سیاسـت خارجی برای خنثی‌سازی و بی‌اثرسـازی تحریم‌ها و کاهش هزینه‌های آنها، هماره با کوشش برای رفع شرط‌مندانه تحریم‌ها، بهویژه تحریم‌های یک‌جانبه، از طریق مذاکرات جدی، هدفمند و قیام‌ربایی؛ با حفظ منافع ملی و حقوق مردم ایران؛

-زمینه‌سازی برای فعالیت بیشتر بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های آن؛ مانع‌زدایی و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش صادرات کالا و خدمات، ورود سرمایه، مهاجرت و گردشگر؛

-جلب همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کمک به توسعه درامحور در حوزه سیاست مرکزان؛

-کوشش برای جلوگیری از تشدید تنش‌های جغرافیایی کنونی، ویژه در حوزه خاورمیانه منطقه‌ای و ترانزیت بین‌المللی، و یه‌گارکیری مؤثر دیپلماسی انرژی؛

همچنین، با توجه به برنامه وزیر امور خارجه، دولت چهاردهم برای تحقق این برنامه‌ها، اولویت‌های سیاست خارجی خود را در زمینه دیپلماسی اقتصادی بر محورهای شرح‌مرکز خواهد کرد:

- عبوردادن کشور از زنجیره فشارهای تحریمی و تلاش برای رفع تحریم‌ها با ابزارهای شاخص‌دانه

- حمایت از ساختارها و مسـیرهای موجود جنگ‌های تحریمی‌ها و کوشش برای کنشون نوارها و سازوکارهای جدید به منظور کاهش هزینه‌های تحریم

- دیپلماسی اقتصادی فعال و ارتگدار در منطقه و بیشتر به سـمت پرفاصله اقتصادی- تجارت کالا و خدمات و حمل‌ونقل منطقه‌ای و بین‌المللی کشور

- بیشـرد سیاسـت همسـایگی بلاوسطه و پیرامونی و کوشـش برای به حداقل رساندن اختلاف‌ها و بیوندهی زیساختی با همسایگان در حوزه‌های مختلف

- حفظ و افزایش ارتباط با ایرانیان خارج به منظور رفع دغدغه‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن

- بهبود تصور ایران در عرصه جهانی و بین‌المللی و منطقه با بیژوه ایران‌هراسی و ایمنی‌سازی ایران

- کمک به توسعه سواحل مکران از طریق دیپلماسی فعال، بهویژه در سطح منطقه

- هماهنگ‌سازی بخش‌های اقتصادی دولت با سیاست خارجی جهت هماهرایی متقابل اقتصاد و دیپلماسی و بهره‌گیری از ظرفیت سند هماهنگی اقتصادی و جلسات سران فوقه به منظور ایجاد هماهنگی بین همه کشکران اقتصادی در کشور

- اصلاحات ساختاری در وزارت امور خارجه به اقتصادی شارع متحول منطقه‌ای و بین‌المللی؛ به‌ویژه بازنگری در شرح وظایف سـفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسـلامی در خارج از کشور و تعریف ماموریت‌ها و کارویژه‌های عملیاتی و فرصت‌محور در زمینه دیپلماسی اقتصادی.

اولویت‌های یادشـده نشـان می‌دهد که وزارت خارجه دولت چهاردهم دستور کاری روشن ولی سـنگین و متنوع در زمینه دیپلماسی اقتصادی دارد و مترصد آن اسـت تا ضمن کسب تجارب گذشته و استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های موجود با بالقوه و روبقا وجاتیه، منطقه‌ای و بین‌المللی و ایجاد اصلاحات لازم در ساختار و کارکردی سیاسـت خارجی، این اولویت‌ها را با جدیت پیگیری و محقق کند. صورت‌های تحقق برنامه‌هـا و اهـداف مذکور ایجاب می‌کند که علاوه بر پیش‌فرض رفع تحریم‌ها، دولت چهاردهم در حوزه وزارت خارجه نیاز به تراکب بیشتر از گذشته فعال باشد. البته دولت نیز نیازمند چالش‌های فراوانی در این مسیر مواجه اسـت. دیپلماسی به‌طور عام و دیپلماسی اقتصادی به‌طور خاص، در خلا شکل نمی‌گیرد و بدون ابزارهای لازم، برخورداری از پشتوانه وفاق و هماهنگی بین بخشی و ایجاد بستر بازیکری مناسب در عرصه بین‌المللی نمی‌تواند کار چندانی برای منافع اقتصادی کشور انجام دهد. بر همین اساس، برای رفع مشـکلات مردم و تأمین زمینه‌های توسـعه، به انسجام ملی و گفتمانی خارجی نیاز داریم؛ اتفاق توسعه و پیشرفت اقتصادی بدون سیاست خارجی توسعه‌گرا و تنش‌زدا ممکن نیسـت. ق